



## بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی - 17 / اردیبهشت / 1399

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )  
و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

برنامه‌ای که امروز دوستان ترتیب دادند، بسیار برنامه‌ی شیرین و جذّابی بود. بنده، هم از کسانی که برنامه را تنظیم کردند و زحماتش را به عهده گرفتند و هم از مدیران محترم و دیگر عزیزانی که گزارش دادند، تشکر میکنم. گزارشها بسیار خوب بود و من اصرار دارم بر اینکه این گزارشها منتشر بشود. من خواهش میکنم فقط به انتشار عرایض ما اکتفا نشود و آنچه را دوستان، مدیران محترم، کارگران محترم، مسئولان دستگاه‌های اجرائی و مجریان بیان کردند، همه پخش بشود، در اختیار مردم قرار بگیرد تا مردم استفاده کنند؛ که حتماً در نگاه عمومی مردم نسبت به آینده‌ی کار و تلاش کشور تأثیر خواهد گذاشت.

اهتمام به رفع مشکلات قشر زحمت‌کش کارگر  
اولاً هفته‌ی کارگر را تبریک عرض میکنم به همه‌ی کارگران و امیدوارم با مطالبی که گفته شد و اقدامهایی که در این هفته و در این روزها انجام گرفته و انجام میگیرد، بخشی از مشکلات قشر زحمت‌کش کارگر ان شاءالله برطرف بشود؛ [چون] مشکلاتی هست و یکی از مسائل مهم ما، رفع مشکلات جامعه‌ی کارگری است که بایستی [به آن] اهتمام کنیم. دو مطلب را من در اینجا عرض میکنم: چند جمله‌ای راجع به مسائل کارگر و کارگری؛ و یک مقدار هم راجع به بحث «جهش تولید» که شعار امسال بود و هست، عرض میکنم.

مفهوم «کار» در اسلام: به معنای عام، و به معنای خاص اقتصادی  
کار در اسلام به دو معنا، یک مفهوم شناخته شده است: هم کار به معنای عام، یعنی شامل کار معنوی، دنیایی، اخروی، اقتصادی، فکری، جسمی، بدنی و در مجموع کار، [یعنی] عمل؛ هم کار به معنای خاص اقتصادی که امروز، مسئله‌ی کار و کارگر به معنای ویژه‌ی خود در دنیا مطرح است؛ کار به هر دو معنا در اسلام مطرح است.

اما در آن معنای اول که معنای عمومی است که «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»، (۲) درآیه‌ای که تلاوت کردند در اول همین محفل شریف، یا اینکه امیرالمؤمنین فرمود: الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ الْإِهْيَابَةُ الْإِهْيَابَةُ. (۳) کار، کار؛ این شعار است، این شعار دادن امیرالمؤمنین است: کار، کار؛ و آنگاه «الْإِهْيَابَةُ»؛ یعنی به سرانجام رساندن کار. یکی از مشکلات ما این است که کار را گاهی شروع میکنیم ولی نیمه‌کاره میماند. امروز در کشور، یکی از مسائل ما، مشکلات ما، طرحهای نیمه‌تمام ما است؛ کار را به نهایت نرساندن، یکی از عیوب کار ما است. اینجا امیرالمؤمنین میفرماید کار و به سرانجام رساندن کار. بنابراین، این معنای عمومی کار است، این مخصوص کار به معنای اقتصادی آن نیست؛ کار عملی است، کار دینی است، کار دنیایی است، کار دسته‌جمعی است، کار سیاسی است، کار جهادی است؛ این عمل، همه جور کاری را شامل میشود؛ که در قرآن هم شما ملاحظه میکنید «عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» چقدر تکرار شده؛ التَّذِينَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ؛ (۴) وَ عَمِلَ صَالِحًا. راجع به «عمل» در قرآن تکرار شده و بحث عمل در قرآن به طور مکرر آمده است.

مطالبه‌گری نتیجه‌ی کار و پرهیز از مفت‌خواری



خب، اینجا تکیه‌ی بر روی این معنای از کار، نقطه‌ی مقابل مفت‌خواری است. یعنی توجّه بکنیم به اینکه انتظار نداشته باشیم به طور مفت چیزی گیر ما بیاید؛ چه در زمینه‌ی مسائل دینی و پاداش اخروی، چه در زمینه‌ی مسائل دنیایی، چه در مقوله‌ی مسائل مهمّ کشوری، مسائل سیاسی، مسائل اجتماعی، باید کار کرد، دنبال کار باید بود، نتیجه‌ی کار را باید مطالبه کرد؛ مفت‌خواری و مفت‌جویی غلط است؛ پس تکیه‌ی بر عمل به این معنا به خاطر این خصوصیت است.

و اما تکیه‌ی به کار به معنای دوّم - که معنای اقتصادی است - هم در اسلام مطرح است. اینکه پیغمبر اکرم دست کارگر را میگیرد و میبوسد، این خیلی چیز مهمّی است. یا پیغمبر اکرم میفرماید که «وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ»؛ (۵) خدای متعال آن کسی را که عمل انجام میدهد، کار انجام میدهد و آن کار را به طور محکم و متقن انجام میدهد، با احساس مسئولیت انجام میدهد، دوست میدارد. بنابراین در اسلام مقوله‌ی کار به هر دو معنا مطرح است، منتها من امروز راجع به این معنای دوّم چند جمله‌ای را عرض میکنم.

هدف اقتصاد کشور؛ تولید ثروت و تقسیم عادلانه‌ی آن بین آحاد مردم  
خب هدف اقتصاد کشور چیست؟ هدف اقتصاد عبارت است از تولید ثروت و تقسیم عادلانه‌ی آن. یک اقتصاد سالم این جور اقتصادی است که بتواند ثروت را در کشور تولید کند و آن را به نحو عادلانه، به نحو صحیح بین آحاد مردم کشور تقسیم کند؛ این اقتصاد، اقتصاد سالمی است.

کارگر؛ یکی از عوامل درجه‌ی اوّل در تولید ثروت  
برای رسیدن به این اقتصاد سالم دو سه ستون اصلی وجود دارد؛ یک ستون اصلی عبارت است از ستون کارگر؛ بنابراین یکی از عاملهای درجه‌ی اوّل تولید ثروت در کشور عبارت است از کارگر؛ البته کارگر هر چه ماهر باشد، نوآور باشد، خلاق باشد - همچنان که امروز در این گزارش دیده شد که کارگرها از خودشان خلاقیت و نوآوری و مهارت نشان میدهند - طبعاً نتیجه‌ی کار برتر و بالاتر است. لذاست که یکی از وظایف ما در زمینه‌ی مسائل کارگری این است که بتوانیم دانش و مهارت نیروی انسانی‌مان را ارتقا بدهیم؛ این یکی از وظایف است که حالا دیدیم بعضی از بنگاه‌های اقتصادی به این نکته توجّه دارند و در گزارششان بود. یکی از وظایف بنگاه‌های اقتصادی این است که بتوانند دانش و مهارت نیروی کار را، نیروی انسانی موجود را افزایش بدهند و ارتقا بدهند؛ این میتواند نتیجه‌ی مطلوبی ببخشد.

در نقطه‌ی مقابل هم کارگر است که طبعاً با مهارت بیشتر، با احساس مسئولیت بیشتر - که آن احساس مسئولیت، همان «فاحکمه» یا «فائقته» در روایت است - کار را محکم‌کاری کند، متقن انجام بدهد، درست انجام بدهد، سهل‌انگاری نکند؛ این وظیفه‌ی مشترکی است بین کارگر و کارفرما.

افزایش تولید؛ منوط به همکاری دوجانبه‌ی واقعی میان نیروی کار و سرمایه‌گذار  
یک همکاری دوجانبه‌ی واقعی میان نیروی کار، و سرمایه‌گذار که اصطلاحاً به او کارفرما گفته میشود میتواند تولید و ارزش افزوده را افزایش بدهد؛ یک همکاری مشترک از سوی کارگر و از سوی کارفرما یا سرمایه‌گذار. نیروی کار و کارگر مهارتش را، احساس مسئولیتش را افزایش بدهد، دقتش را افزایش بدهد و با مسئولیت بیشتر کار بکند، کارفرما [هم] سهم نیروی کار را از عواید بنگاه اقتصادی افزایش بدهد؛ این یکی از چیزهایی است که لازم است.



دیدم دوستانی شکایت میکنند از بعضی از مصوَباتی که نظرات کارگر در آنها ملاحظه نشده. خیلی خب، این مقررات بایستی حتماً با نگاه عادلانه تنظیم بشود و مسئولین بنگاه‌ها هم به این نکته توجه بکنند. بنابراین ما در سیاستهای اقتصاد مقاومتی همین را گفتیم، یعنی همکاری این دو را؛ که آن وقت در این صورت این دو، یعنی هم کارگر و هم کارفرما مشترکاً ستون اصلی ایجاد رشد اقتصادی و پیشرفت اقتصادی را تشکیل میدهند.

یکی از نکاتی که در باب کارگران و به مناسبت هفته‌ی کارگر خوب است روی آن تکیه بشود، مسئله‌ی رعایت حق نیروی کار است. حقوق طبیعی نیروی کار باید رعایت بشود؛ یعنی دستمزد عادلانه، پرداخت منظم و بدون تأخیر، ثبات اشتغال یعنی امنیت شغلی که بنده روی این امنیت شغلی هم سالهای قبل تأکید کرده‌ام که این یکی از مسائل بسیار مهم است. بعضی از آقایانی که صحبت کردند، اشاره کردند که هیچ نیروی کاری را در این مدت از کار منفک نکردند؛ این بسیار کار خوبی است، بسیار روش خوبی است؛ امنیت شغلی. مسئله‌ی بیمه، مسئله‌ی آموزش، مسئله‌ی خدمات رفاهی، مسئله‌ی بهداشت و درمان، اینها چیزهایی است که جزو حقوق کارگران است و این وظایف طبیعی کارفرما است. البته اگر اهتمام بیشتری نسبت به کارگر انجام بگیرد مثل اینکه نیازهای خانواده‌ی مورد مراعات قرار بگیرد یا آموزش فرزندان یا ازدواج و امثال اینها، طبعاً تأثیر بیشتری در ارتباط و التیام بین کارگر و کارفرما خواهد داشت که امر مبارک و خوبی است.

آموزش؛ یکی از ضرورت‌های بنگاه‌های صنعتی، کشاورزی و اقتصادی به همین مناسبت این تذکر را من عرض بکنم که در دنیای کنونی تحولات فناوری لحظه‌ای است -حالا اگر تعبیر مبالغه‌آمیز نباشد- یعنی سرعت این تحولات دارد انجام میگیرد؛ بنابراین چون این تحولات پی‌درپی فناوری هست، یکی از ضرورتها برای بنگاه‌های صنعتی و کشاورزی و بنگاه‌های اقتصادی یادگیری مداوم است؛ حالا این یادگیری هم به معنای یادگیری آموزشی، و هم به معنای یادگیری تجربه است. گاهی هست که کسانی که تجربه‌ی کار دارند، فواید اینها برای نسل بعد خودشان از آموزشهای جدید هم بیشتر است. فرض بفرمایید حالا همین خانواده‌ی کشاورزی که اینجا گزارش دادند از خراسان، یقیناً سودی که آن نسل سوّم از دانش جدید و معلومات جدید برده، بیشتر نیست از سودی که از تجربه‌ی پدران خودش و تجربه‌ی دو نسل قبل از خود برده. بنابراین، هم از دانش استفاده بشود، هم از تجربه‌ی نیروهای مجرب استفاده بشود.

ارتقای کیفیت کار و رونق اقتصادی، در گرو ارتقای بهره‌وری نیروی کار یک نکته‌ی دیگر هم این است که اگر بهره‌وری نیروی کار ارتقا پیدا کند، کیفیت کار ارتقا پیدا خواهد کرد. همین مسئله‌ی آموزشی که عرض کردیم، اگر چنانچه تحقق پیدا کند -که قهراً نیروی کار بهره‌وری بیشتری خواهد داشت- قیمت تمام شده یا هزینه‌ی کار کمتر خواهد شد، این طبعاً کیفیت را ارتقا میدهد؛ کیفیت وقتی ارتقا پیدا بکند، قدرت رقابت بیشتر میشود و رواج و رونق اقتصادی به وجود می‌آید، بخصوص در زمینه‌ی صادرات.

پیوند دائمی میان نظام جمهوری اسلامی و کارگران یک نکته‌ی دیگر در مورد کارگران این است که در دو قرن گذشته کارگران در عرصه‌ی سیاسی تأثیرگذار بودند. در همه جای دنیا؛ هم در اروپا، هم در کشورهای دیگر، در عرصه‌ی سیاسی کارگران تأثیرگذار بودند. در کشور ما هم کارگران تأثیرگذار بودند به معنای واقعی کلمه. در پیروزی انقلاب -همان طور که اشاره کردند در اوّل این جلسه- کارگرها، کارگرهای شرکت نفت و بعضی مناطق دیگر، حقیقتاً تأثیر گذاشتند در وضع پیشرفت انقلاب.



بعد هم در دوران جمهوری اسلامی یکی از برترین قشرها در همراهی با اهداف جمهوری اسلامی کارگراها بودند؛ چه در دوران دفاع مقدس، چه در دورانهای بعد و در حوادث گوناگون همواره کارگراها جلو بودند، تلاش کردند، کار کردند به نفع نظام، و در خدمت نظام قرار داشتند. بنابراین پیوند میان نظام جمهوری اسلامی و کارگران یک پیوند دائمی است و امیدواریم ان شاء الله این پیوند ادامه پیدا کند؛ و این البته وظایف مسئولان نظام را نسبت به کارگران افزایش میدهد؛ و وظایف فراوانی همه نسبت به جامعه‌ی کارگری دارند؛ از مسئولین گوناگون در سه قوه و آحاد مردم تا کارفرمایان و صاحبان صنایع و مناطق کشاورزی.

فرصت مناسب برای عمل به شعار «جهش تولید»

راجع به جهش تولید؛ خب ما امسال را اعلام کردیم به عنوان سال «جهش تولید»؛ الان هم در اردیبهشت ماه هستیم، هنوز اول سال هستیم، یعنی فرصت و امکان برای اینکه به معنای واقعی کلمه در امسال جهش تولید انجام بگیرد هست؛ یعنی ما در ضیق وقت قرار نداریم. الان فرصت خیلی خوبی هست - ده یازده ماه مجال هست - دستگاه‌های مختلف میتوانند به وظایفی که به جهش تولید منتهی میشود، ان شاء الله عمل بکنند. لذا من چند نکته را در باب جهش تولید عرض میکنم:

تولید؛ به مثابه‌ی سیستم دفاعی و امنیت بخش اقتصاد

اولاً درباره‌ی تولید خیلی صحبت کردیم؛ بنده هم زیاد صحبت کرده‌ام، مسئولینی هم که دلسوز بودند، علاقه‌مند بودند گفته‌اند. من میخواهم این را بگویم که تولید را میتوان به سیستم ایمنی و دفاعی بدن تشبیه کرد؛ این روزها که مسئله‌ی کرونا هم مطرح است، نقش سیستم دفاعی بدن در مواجهه‌ی با ویروس‌ها، با میکروب‌ها و مهاجمهای ضد سلامت نقش خیلی مهمی است. همین ویروس کرونا بلاشک وارد خیلی از بدن‌ها شد، لکن آنها مریض نشدند؛ چرا؟ به خاطر اینکه یک سیستم دفاعی سالم خوبی داشتند که توانست دفاع کند و امنیت بدن را تأمین بکند. اگر ما در اقتصاد کشور، اقتصاد را به یک بدن انسان تشبیه بکنیم، سیستم دفاعی و امنیت بخش اقتصاد عبارت از تولید است؛ یعنی آن چیزی که میتواند ویروس‌های مهاجم و میکروب‌های مهاجم به اقتصاد را خنثی بکند و آن را سالم نگه دارد تولید در کشور است. اگر ما همواره تولید خوب و مناسب و شایسته و رو به رشد در کشور داشته باشیم، در مقابل این ویروس‌هایی که طبیعتاً وجود دارند - که البته اقتصاد ما متأسفانه دچار میکروب‌ها و ویروس‌های طبیعی متعددی است؛ ویروس‌های دست‌ساز هم هستند، مثل تحریم، مثل همین مسئله‌ی قیمت نفت؛ اینها حوادثی هستند که به اقتصاد ضربه میزنند - میتوانیم مقاومت بکنیم.

مسئله‌ی تولید یک نقش تأثیرگذار عجیبی به این شکل دارد، که طبعاً بایستی آن را مهم شمرد و به آن توجه کرد. اگر ما بتوانیم این سیستم دفاعی و ایمنی پیکره‌ی اقتصاد کشور را تأمین کنیم و از همه جهت، آن را آماده نگه بداریم، بلاشک این مشکلات، این تکانه‌های گوناگون بین‌المللی و تکانه‌های مختلف اقتصادی نخواهد توانست به کشور صدمه‌ی اساسی و مهمی وارد کند.

نقش حیاتی تولید در اقتصاد و اعتماد به نفس عمومی

خب، تولید میتواند یک اقتصاد ملی قوی را در کشور تشکیل بدهد؛ یعنی در ساخت یک اقتصاد قوی، تولید نقش اول را دارد؛ یک تأثیر حیاتی غیر قابل انکاری را در اداره‌ی کشور دارد. آن [طور] که من تصور میکنم، به اعتقاد بنده مسئله‌ی تولید فقط مسئله‌ی اقتصاد هم نیست؛ البته تولید برای اقتصاد، حیاتی است؛ تولید داخلی برای اقتصاد



کشور و اقتصاد سالم، حیاتی است، لکن فقط این نیست. تولید از لحاظ سیاسی، یک کشور را دارای اعتماد به نفس میکند، ملت را دارای احساس عزت میکند. اینکه ملت احساس کند که نیازهایشان در داخل کشور خودشان به وسیله خودشان تأمین میشود، برای یک ملت خیلی مایه‌ی عزت و افتخار است؛ تا اینکه ببینند هر چه لازم دارند، بایستی از دیگران بگیرند؛ بایستی از دیگران آن را التماس بکنند؛ [دیگران هم] گاهی بدهند، گاهی هم ندهند؛ و انواع و اقسامش را بدهند؛ یعنی گاهی خوبش را بدهند، گاهی بدش را بدهند؛ اینکه خود یک ملت بتواند تولیدکننده و تأمین‌کننده‌ی نیازهای خودش باشد، به او اعتماد به نفس میدهد، به او احساس عزت میدهد؛ پس می‌بینید مسئله‌ی تولید، ابعادی فراتر از ابعاد اقتصادی محض دارد. علاوه بر اینکه تولید میتواند بر روی کلیه‌ی شاخصهای اقتصادی کشور اثر بگذارد؛ یعنی تولید میتواند در شاخصهای گوناگون مثل تولید ناخالص داخلی، مسئله‌ی اشتغال - که بسیار مسئله‌ی مهمی است - مسئله‌ی عرضه‌ی کالا و خدمات، مسئله‌ی رفاه عمومی جامعه، مسئله‌ی صادرات و تأثیرگذاری فکری و فرهنگی‌ای که صادرات میتواند بکند، اثر بگذارد. بعلاوه همان طور که عرض کردیم، تولید داخلی مایه‌ی افتخار ملی است، به افراد جامعه اعتماد به نفس میدهد و مانند اینها. بنابراین بیش از این، انسان در باب اهمیت تولید چه بگوید؟ تولید داخلی واقعاً حیاتی است برای کشور.

خب حالا ما گفتیم جهش تولید؛ چرا می‌گوییم جهش تولید؟ به خاطر اینکه ما از لحاظ تولید عقبیم. این کارهایی که دوستان اشاره کردند که انجام گرفته، کارهای بسیار برجسته و خوبی است، منتها اینها کافی نیست و ما نیاز به توسعه‌ی بیشتر تولید و تقویت بیشتر تولید و پیشرفت بیشتر تولید داریم که حالا من نکاتی را در این زمینه عرض میکنم.

حرکت موتور اقتصاد کشور، در گرو مشارکت مردم نکته‌ی اول این است که این را بدانیم که قوی‌ترین دولت‌ها هم قادر نیست بدون مشارکت مردم موتور اقتصاد جامعه را به راه بیندازد؛ هیچ دولتی بدون مشارکت مردم نمیتواند اقتصاد کشور را سامان بدهد. بعضی از ساز و کارهای فکری، سیاسی، اقتصادی، مثل نوعی از سوسیالیسم‌ها - البته نه همه‌ی انواع سوسیالیسم - این فکرها را کردند که بتوانند دولت‌ها را متصدی کار اقتصاد کنند [اما] شکست خوردند. امکان ندارد، و بدون مشارکت مردم هیچ دولتی نخواهد توانست اقتصاد کشور را سامان بدهد و موتور اقتصاد را [راه بیندازد]. بنابراین یکی از مسائل مهم ما باید این باشد که استعدادهای مردم، ابتکارهای مردم، ظرفیتهای گوناگون مردم را وارد میدان اقتصاد کشور بکنیم.

وظایف دولت در جهش تولید: (۱) حمایت و رفع موانع

خب، در عین حال که این کار، کار مردم است، دولت هم وظایف مهمی دارد. دولت که می‌گوییم، منظور سه قوه است، نه فقط قوه‌ی مجریه؛ یعنی هم قوه‌ی مجریه، هم قوه‌ی مقننه، و هم قوه‌ی قضائیه، به عنوان دولت جمهوری اسلامی، اینها وظایفی دارند که وظایف مهمی است؛ از جمله‌ی این وظایف - که اگر این وظایف را دولت عمل نکند و مسئولین کشور عمل نکنند، جهش تولید صورت نخواهد گرفت - این است که دولت بایستی از تولید و تولیدکننده حمایت بکند.

در یک جمله میتوان این طور خلاصه کرد: حمایت دولت. خب این حمایت به چه معنا است؟ بعضی تا می‌گوییم «حمایت»، خیال میکنند باید تزریق نقدینگی کرد. خب بله، یک جاهایی ممکن است تزریق منابع مالی هم لازم باشد [اما] یک جاهایی هم مضر است. منظور از حمایت، تزریق منابع مالی صرفاً نیست بلکه میدان را باز کردن است.





اگر نیروی کار مردمی را، سرمایه‌گذار را، مهندس را، صاحب‌فکر را، کارگر را به عنوان یک دوندهی پُرشتابی فرض کنیم، شما لازم نیست به او یاد بدهید چه کار کند، او خودش شوق و میل حرکت دارد. شما میدان را باز کنید، موانع را بردارید، زمین را صاف کنید، اجازه بدهید او حرکت خودش را انجام بدهد. اگر چنانچه این کار از سوی دولت انجام بگیرد - که بسیار کار مهمی است و حالا من به بعضی از نمونه‌هایش هم اشاره خواهم کرد - آن وقت این حرکت به صورت صحیحی انجام خواهد گرفت. بنابراین حمایت که می‌گوییم، یعنی برداشتن موانع. برداشتن موانع مثل چه؟ مثل برداشتن مقررات دست‌وپاگیر. بعضی از مقررات هست که هیچ فایده‌ای ندارد و ضرر هم دارد؛ وجود این مقررات مانع از این است که دستگاه تولیدکننده و دستگاه اقتصادی فعال و مفید بتواند کار خودش را انجام بدهد.

۲ و ۳) مبارزه با قاچاق، و منع جدی واردات بی‌رویه

یکی از حمایتها که بسیار مهم است، مبارزه با قاچاق است؛ یعنی واقعا قاچاق یک آفتی است برای کشور که باید به معنای حقیقی کلمه با این آفت مبارزه کرد.

یکی از کارهای لازم، منع جدی واردات بی‌رویه است. این همه بنده تأکید کردم بر روی مسئله‌ی واردات؛ باز هم انسان میبیند به بهانه‌های مختلف یک جاهایی واردات [صورت میگیرد]. به ما نامه مینویسند و شکایت میکنند؛ یک دستگاهی میگوید که ما مثلاً این وسیله را با زحمت زیادی درست کردیم به نصف قیمت، به یک سوّم قیمت، [اما] فلان دستگاه دولتی که به این وسیله احتیاج دارد، می‌رود با تولیدکننده‌ی خارجی قرارداد میبندد، وارد میکند؛ خوب این کار نباید بشود. اگر چنانچه این کار در یک موارد مهمی انجام بگیرد، باید اسمش را گذاشت جنایت، خیانت. البته همیشه این جور نیست، و از روی غفلت گاهی انجام میگیرد، اما گاهی هم واقعا جنایت و خیانت است.

۴) مبارزه با فساد اداری و مالی

یکی از حمایتها مبارزه‌ی جدی با فساد مالی است. ببینید این دستگاههایی که امروز گزارش دادند - و صدها دستگاه از قبیل اینها - در کشور دارند با سلامت، کار اقتصادی انجام میدهند. اگر شما بخواهید این کسانی که دارند کار سالم اقتصادی انجام میدهند، بتوانند به مقصود برسند، بایستی با آن کسی که از راه فساد، از راه رشوه، از راه اختلاس کار را پیش میبرد، مبارزه‌ی جدی بکنید. با فساد باید مبارزه کرد؛ هم فساد اداری، یعنی فساد کسی که در دستگاه دولتی و مرتبط با مسائل اقتصادی است و هم فساد آن کسی که در کار تولید و در کار فعالیت اقتصادی است.

یکی از مسائل، مقابله‌ی جدی با کارشکنی‌های اداری است. بنده سراغ دارم؛ در طول این سالهای متمادی، مکرر این را مشاهده کرده‌ایم که مسئول دستگاه، مدیر عالی دستگاه، با کمال علاقه و اخلاص دنبال یک چیزی است، یک کاری را میخواهد انجام بدهد اما آن کار انجام نمیگیرد؛ دستور هم داده میشود، جلسه هم برگزار میکنند، اقدام هم میکنند اما خروجی صفر است؛ علت این است که آن وسط کارشکنی صورت میگیرد. همین که امیرالمؤمنین فرمود «ثُمَّ التَّهْيِئَةُ التَّهْيِئَةُ»، معنایش این است؛ یعنی صرف اینکه شما مدیر دستگاه هستید و علاقه‌مندید کافی نیست؛ باید کار را دنبال کنید تا از این کارشکنی‌های میانه‌ی راه حتماً جلوگیری بشود.

۵ و ۶ و ۷) رعایت حقوق مالکیت، پرهیز از سوداگری‌های زیان‌بخش، معافیت یا وضع مالیات

یک مسئله‌ی مهم، رعایت حقوق مالکیت است که این از وظایف قوه‌ی قضائیه است. یک مسئله‌ی مهم پرهیز از کمک به سفته‌بازی و سوداگری‌های زیان‌بخش است که این، قانون لازم دارد و مربوط به مجلس شورای اسلامی است



؛ بایستی در قوانینی که وضع میکنند، مراقبت بکنند که به این گونه سوداگری‌ها کمک نشود، بلکه در نقطه‌ی مقابل به فعالیتهای صحیح کمک بشود. در یک مواردی معافیتهای مالیاتی لازم است، همچنان که در نقطه‌ی مقابل، در یک مواردی وضع مالیات لازم است؛ مثل ثروتهای بادآورده. حالا من البته نمیخواهم اینجا بشمرم؛ موارد زیادی وجود دارد و مشاغلی وجود دارد که اینها ثروتهای بادآورده‌ای را به دست می‌آورند، مالیات هم نمیدهند؛ باید بر اینها مالیات معین کرد. متقابلاً در مواردی باید مالیات را حذف کرد یا کم کرد. در خیلی از موارد تولیدی باید از این قبیل به اینها کمک کرد. بنابراین حمایت واقعی از تولید، که گفتیم دولت باید حمایت بکند، این چیزها و امثال اینها است.

و خوب مشاهده کردید در همین قضیه‌ی کرونا خوشبختانه دولت حمایت کرد از مردم، یعنی میدان را باز کردند. اگر دولت میگفت که «هر کس میخواهد مثلاً از این ماسک تولید کند، باید بیاید از ما اجازه بگیرد»، همین یک کار کوچک را اگر انجام میدادند، کافی بود برای اینکه ماسک در کشور تولید نشود؛ [اما] میدان را باز کردند، گفتند هر کس میتواند ماسک تولید کند، تولید کند. [لذا] دستگاه‌ها تولید کردند، کارخانه‌ها تولید کردند، ستاد اجرائی تولید کرد، بنیاد مستضعفان تولید کرد، در خانه‌ها مردم تولید کردند، در مساجد تولید کردند؛ جوری شده که ما الان ماسک زیادتر از اندازه‌ی نیاز در کشور داریم و میتوانیم به دیگران بدهیم؛ این به خاطر آن بود که دولت مانع را برطرف کرد. اگر از این قبیل کارها در بخشهای مختلف انجام بگیرد، بلاشک کمک خواهد کرد.

#### بهبود فضای کسب و کار

نکته‌ی سوّم، مسئله‌ی بهبود فضای کسب و کار است؛ که بنده روی این مسئله‌ی بهبود فضای کسب و کار بارها تأکید کرده‌ام (۷) و همین چیزهایی هم که الان در این بخش دوّم عرض کردم [راجع به] حمایت، کم کردن قوانین و مانند اینها، اینها در واقع مصداقهای بهبود فضای کسب و کار است. من دیدم بررسی‌های کارشناسی‌ای را که برای من نقل کردند که از وزارت اقتصاد برای دفتر ما فرستادند؛ با بررسی‌های کارشناسی که کردند، آنها میگویند که اگر دو اقدام در زمینه‌ی مسائل اقتصادی انجام بگیرد، جایگاه کشور از لحاظ شاخص کسب و کار چهل رتبه تا پنجاه رتبه ارتقا پیدا خواهد کرد؛ این را کارشناسان وزارت اقتصاد میگویند.

یکی از این دو کار عبارت است از «ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوّز»؛ یک وقتی بنده در جلسه‌ی با دوستان در همین دولت، دو سه سال پیش گفتم - الان درست یادم نیست - که کسی که میخواهد مجوّز برای یک کار اقتصادی به دست بیاورد، به نظرم حدود سی چهل جا بایستی مراجعه بکند تا بتواند یک مجوّز بگیرد؛ آن وقت کاری که باید در ظرف یک روز انجام بگیرد، شش ماه طول میکشد یا گاهی هم تا آخر اصلاً انجام نمیگیرد. یکی از دو کار این است: ایجاد پنجره‌ی واحد صدور مجوّزها؛ یعنی همه‌ی دستگاه‌ها بیایند در یک نقطه تجمّع داشته باشند و کسی که [مجوّز] میخواهد، در ظرف نصف روز بتواند مجوّز خودش را تحصیل کند و زمان را کوتاه بکند و برود دنبال کارش.

دوّم، «تشکیل دادگاه‌های تجاری برای رفع اختلافات اقتصادی» که این هم باز مربوط به قوه‌ی قضائیه است؛ گفته‌اند اگر همین دو کار انجام بگیرد، رتبه‌ی کشور از لحاظ فضای کسب و کار، چهل رتبه یا پنجاه رتبه به بالا ارتقا پیدا خواهد کرد؛ خوب اینها مهم است.

#### ممنوعیّت واردات بی‌رویه

نکته‌ی چهارم مسئله‌ی ممنوعیّت واردات است، که قبلاً اشاره کردم. [البته] ما با واردات مخالف نیستیم، این را خوب



همه میدانند، میفهمند؛ مراد [مخالفت با] آن وارداتی است که [مشابهش] یا در کشور تولید میشود یا در کشور امکان تولیدش هست؛ من این را میخواهم بگویم؛ نه فقط آنهایی که تولید میشود [بلکه] آنهایی [هم] که امکان تولیدش هست. یعنی میتوانیم با جلوگیری از واردات، به نیروی فعال و مبتکر داخل کشور کمک کنیم که او شروع کند این کار را انجام بدهد. اگر چنانچه این کار انجام بگیرد، به نظر من این کمک بسیار زیادی خواهد کرد به اینها.

گاهی دستگاه‌های اجرائی به بهانه‌هایی راه واردات را بی‌مورد باز میکنند؛ فرض بفرمایید مسئله‌ی رقابت. مثلاً فرض کنید که وقتی گفته میشود چرا اجازه دادید خودروهای خارجی به این شکل بیایند، میگویند آقا رقابت. من میگویم خوب شما که میخواهید به وسیله‌ی رقابت، کیفیت را بالا ببرید، تلاش را بگذارید روی بالا بردن کیفیت از یک راه دیگر؛ و الا شما بیایید تولید داخلی را مشمول زیان مضاعف بکنید به خاطر اینکه میخواهید مثلاً کیفیت را بالا ببرید، این به هیچ وجه درست نیست. جهش تولید، به معنای جهش کمیّت هم هست، [و البته] به معنای جهش کیفیت هم هست، هر کدام هم راه‌هایی دارد؛ این را از طریق واردات نخواهید تأمین بکنید. بعضی هم البته مقاصد دیگری دارند، که واقعاً گاهی اوقات میشود که تولید به خاک سپاه می‌نشیند به خاطر واردات بی‌رویه‌ای که نمونه‌های فراوانش را ما داریم؛ کسانی هستند که به ما مراجعه میکنند، البته ما به دستگاه‌های مختلف اینها را ارجاع میدهیم و دنبال میکنیم که ان شاءالله تحقق پیدا کند. پس بنابراین نکته‌ی بعدی هم مسئله‌ی ممنوعیت واردات بود در کالاهایی که در کشور تولید میشود، یا امکان تولید دارد.

#### ملازمه‌ی جهش کمی همراه با جهش کیفی

مسئله‌ی بعدی مسئله‌ی جهش کیفیتی است که اشاره کردیم؛ این هم یک اصل مهم است. اگر ما جهش کمی داشته باشیم، [اما] جهش کیفی نداشته باشیم، پیش نخواهیم رفت؛ یعنی اگر جهش کیفی وجود نداشته باشد، در بحث مصرف داخلی هم درمیمانیم؛ یعنی مصرف‌کننده‌ی داخلی وقتی دید که محصول داخلی کیفیت ندارد، به طور طبیعی کشانده میشود به سمت محصول خارجی؛ وقتی مصرف‌کننده وجود داشت، واردکننده هم لامحاله و بدون تردید وجود خواهد داشت و دولت هم معلوم نیست بتواند جلوگیری کند. باید کاری کنیم که مصرف‌کننده‌ی داخلی قانع بشود به اینکه این کیفیت، کیفیت مطلوبی است. خوشبختانه بسیاری از محصولات ما امروز همین جور است؛ یعنی کیفیت تولید داخلی محصولات صنعتی ما در بخشهای مختلف - که من نمیخواهم حالا اسم بخشها را بیاورم، اما میدانیم و می‌شناسیم بخشهای مختلف را - از خارجی بهتر است و در عین حال یک مواردی در این [کالاهای] واردات هست. خوب پس بنابراین مسئله‌ی جهش در کیفیت هم خیلی مهم است؛ این در مصرف داخلی تأثیر دارد، در مصرف صادراتی هم تأثیر مضاعف دارد؛ یعنی اگر بخواهیم جنس ما در خارج از کشور رقابت‌پذیر باشد، بایستی کیفیت را بالا ببریم و این خیلی موضوع مهمی است. این هم یک نکته.

#### لزوم افزایش امید به کار و تلاش

نکته‌ی بعدی اینکه ما باید امید به کار و تلاش را در کشور روزبه‌روز افزایش بدهیم. اینکه من عرض میکنم این برنامه پخش بشود تا مردم ببینند، به خاطر این است که یک عده‌ای دائم دارند مثل زمزمه‌های خطرناک و مضر به گوش مردم میخوانند که فایده‌ای ندارد، نمیتوانیم، امکان ندارد؛ در حالی که امکان دارد، ما خیلی کارهای بزرگ را میتوانیم انجام بدهیم. ببینید، من این را میخواهم عرض بکنم که ما وقتی میتوانیم یک ماهواره‌بر با این کیفیت درست کنیم که بتواند با این سرعت، یعنی ۷۵۰۰ متر بر ثانیه حرکت بکند - یعنی در یک ثانیه هفت و نیم کیلومتر - وقتی میتوانیم ماهواره‌ی خودمان را در مدار مورد نظرمان قرار بدهیم، پس باید بتوانیم خیلی از کارهای دیگر را هم





انجام بدهیم. آن کسی که امروز این ماهواره بر را تولید میکند و این ماهواره را به فضا می‌رساند، همین آدم، همین نیت، همین دست خواهد توانست چند صباح دیگر همین ماهواره را به مدار ۳۶ هزار کیلومتری برساند که مورد نظر ما است؛ ما می‌خواهیم ماهواره به مدار ۳۶ هزار کیلومتری [برسد]؛ این قطعاً خواهد شد، این امکان قطعاً وجود دارد.

یعنی همین نیتی، همّتی، دستی که امروز [ماهواره را] به فاصله‌ی مثلاً فرض کنید ۴۰۰ کیلومتری یا ۴۵۰ کیلومتری می‌رساند، همین همّت خواهد توانست فردا [آن را] به ۳۶ هزار کیلومتر هم برساند. یعنی وقتی امید بود، وقتی احساس پیشرفت بود، وقتی احساس توانایی بود، این پیش می‌آید؛ عرض من این است. حالا بعضی‌ها می‌گویند که مثلاً فرض کنید «آقا! اینکه شما اظهار خوشوقتی می‌کنید که ماهواره پرتاب کردید یا فلان، موجب این نیست که [کشور امنیت پیدا کند]. ماهواره و سلاح و مانند اینها نمیتواند کشور را امنیت بدهد و عمده مسائل اقتصادی است.» خب این کارها را، این حرفها را ما میدانیم، اینها را بلدیم، نه اینکه این را ندانیم. حرف من این است: من می‌گویم وقتی که میتوانیم در بخش نظامی یا فرض کنید در بخش پرتاب ماهواره‌ی فضائی یک چنین حرکت بزرگی را انجام بدهیم، چرا نتوانیم اتومبیلی، خودرویی تولید کنیم که در صد کیلومتر مثلاً پنج لیتر بنزین لازم داشته باشد؟ دائم متوقف بشویم در اتومبیلی یا خودرویی که مثلاً فرض کنید دوازده لیتر یا ده لیتر یا هشت لیتر مصرف میکند. یعنی این توانایی وقتی در ما وجود دارد، این روحیه‌ی ابتکار وقتی در ما وجود دارد، در همه‌ی بخشهای کشور وجود خواهد داشت؛ هم در بخش صنعتی، هم در بخشهای گوناگون دیگر [نظیر] کشاورزی و خدماتی. حرف ما این است.

اولویت دادن به بخشهای پیشرو

نکته‌ی دیگر این است که در این جهش تولید، برخی از بخشها، بخشهای پیشرو هستند، به اینها باید اولویت داده بشود. من چند بخش را اینجا ذکر کرده‌ام: مثلاً در بخش نفت، توسعه‌ی ظرفیت پالایشگاهی؛ از قبیل همین پالایشگاه میعاناتی که در بندرعبّاس افتتاح شد و مراحل بعدی هم دارد که این مراحل بعدی طبعاً ثروت بیشتری را نصیب کشور خواهد کرد. یا مجتمع پالایشگاهی سیراف که ذکر کردند که این مجتمع مهمی است، تأثیرات زیادی خواهد داشت. یا اجرای طرحهای پتروشیمی که گفتند اگر این طرحها انجام بگیرد - آن طور که به من گزارش دادند - محصول ۵۰ میلیون تن، اول به ۱۰۰ میلیون تن، بعد به ۱۳۰ میلیون تن ارتقا پیدا خواهد کرد و از لحاظ ارزش به سه برابر افزایش پیدا خواهد کرد؛ که این مسئله‌ی مهمی است. بخصوص در شرایط کنونی کشور و نیازی که به ارز وجود دارد، این طبعاً چیز بسیار با ارزشی خواهد بود. یا در مورد طرحهای کشاورزی برای افزایش خودکفایی در محصولات اساسی؛ یکی از کارهایی که در بخش کشاورزی حتماً بایستی انجام بگیرد، دنبال خودکفایی بودن در محصولات اساسی است؛ بله، گاهی اوقات ممکن است که قیمت خرید گندم [ارزان‌تر باشد]؛ البته امروز این جور نیست، اما یک وقتی بود که قیمت خرید گندم از بیرون ارزان‌تر تمام میشد برای کشور تا تولید؛ اما در همان شرایط هم تولید اولویت دارد، کما اینکه در دنیا همین کار را میکنند؛ یعنی نمیگذارند که کشورشان از لحاظ گندم محتاج بیرون از کشور باشد. مثلاً فرض بفرمایید مثل امروز این عناصر خبیث آمریکا که یک چیزهایی را ممنوع کرده‌اند، آمدم و طرف مقابل ممنوع کرد؛ خب میکنند دیگر؛ شما باید بتوانید کشور را اداره کنید. پس محصولات اساسی باید در داخل کشور حتماً تولید و خودکفایی بشود. البته امروز مشکل آب را نداریم بحمدالله. یک وقتی مدام میگفتند آب نیست و مشکل آب داریم و کم‌آبی داریم؛ خوشبختانه امروز مشکل کم‌آبی را نداریم، هم نسبت به دیم، هم نسبت به کشت آبی. بنابراین، باید دنبال محصولات اساسی باشیم، مثل گندم، مثل دانه‌های روغنی، مثل گیاهان دارویی، مثل علفه، مثل آبیان؛ اینها چیزهایی است که بایستی حتماً دنبالشان باشیم؛ همچنین در کشاورزی، آبیاری مدرن،



آبخیزداری، آبخوانداری و امثال اینها این هم یکی از بخشهای قابل توجه و جزو بخشهای پیشرو است.

یکی دیگر از بخشهای پیشرو که توجه ویژه به آنها لازم است، مسئلهی زیرساختها است. خب بحمدالله کشور امروز از لحاظ زیرساختها خیلی پیشرفته است بلاشک؛ یعنی امروز از لحاظ زیرساختهای کشور، مثل بندر، مثل جاده، بزرگراه، سد، و امثال اینها، وضع ما اصلاً قابل مقایسهی با قبل از انقلاب نیست و پیشرفتش فوقالعاده است؛ لکن در عین حال هنوز احتیاج داریم، هنوز نیاز به زیرساختها هست؛ مثل بندر، مثل برق، مثل حمل و نقل، و مخصوصاً حمل و نقل ریلی که بسیار بسیار مهم است.

یک بخش دیگر پیشرو، مسئلهی قطعهسازی است که خوشبختانه در گزارشهای امروز هم بخشهای قطعهسازی وجود داشت. گاهی اوقات میشود یک ماشین بزرگ به خاطر یک قطعهی کوچک معطل میشود که ما آن قطعه را باید از خارج مثلاً فرض کنید که وارد کنیم. ما روی مسئلهی قطعهسازی در بخشهای مختلف قطعه [باید کار کنیم]. حالا این گزارشی که داده میشود، به نظرم عمده [مربوط به] قطعات خودرو بود، اما در همهی قطعات همهی ماشینآلات و دستگاههای بزرگ، قطعهسازی یک مسئلهی بسیار مهمی است.

یا مسئلهی بخش معدن، که ما در بخش معدن خیلی عقبیم و یکی از بخشهایی که حتماً نیاز است که به آن توجه بشود، بخش معدن است؛ یا بخش دارو و واکسن، که شنیدم خوشبختانه کارهای خوبی هم در زمینهی تولید دارو برای این ویروس جدید انجام گرفته یا تحقیقاتی برای واکسن دارد انجام میگیرد. حالا در دنیا تبلیغ میکنند که واکسن تا فلان مدت - تا یک سال، تا شش ماه، بعضی میگویند تا فلان مدت - امکان ندارد؛ هیچ معلوم نیست؛ دانشمندان خوب ما، دانشمندان جوان ما، محققین کارآمد ما بنشینند، روی مسئلهی واکسن همین ویروس کرونا و تولید واکسنهای مختلف کار کنند؛ ای بسا که خیلی زودتر از آنها به واکسن دست پیدا کنند و بتوانند از آن استفاده کنند. یکی از بخشهای مهم، این مسئله است.

یا زنجیرهی پوشاک و کفش و لوازم خانگی که این هم جزو مسائل پیشرو هست، و کشور در این زمینه البته خوشبختانه تواناییهای زیادی دارد اما در عین حال با وجود اینکه ما در زمینهی پوشاک از خیلی قدیم، جزو کشورهای پیشرو بودیم و تواناییهای خیلی خوب و زیادی داشتیم، در زمینهی کفش همین جور، در زمینهی لوازم خانگی در طول این سالها پیشرفتهای خیلی زیادی داشتیم، متأسفانه باز بحث واردات در اینجا چیز مضرّی است؛ به نظر من در این بخشها، جلوی واردات جداً باید گرفته بشود و به این بخش هم به عنوان یک بخش پیشرو و مهم توجه بشود. و خوشبختانه می بینیم ما که در همین [یکی دو] سال گذشته، یعنی سال ۹۸ و همچنین سال ۹۷، که احتیاج پیدا کردیم به یک تعدادی کاپشن پسرانه، دخترانه، بچه گانه؛ من گفتم اصلاً از بازار نخرید، بدهید درست کنند، تولید کنند، بدوزند. رفتند جنس را تهیه کردند، خیاط را تهیه کردند، مبالغی تولید کردند؛ قطعاً از انواع خارجی اش بهتر بود؛ یعنی زیباتر، محکم تر و بهتر. خب در داخل این دارد تولید میشود، وقتی که میتوانیم ما در داخل تولید کنیم چرا از خارج وارد کنیم؟ خود من دو تا کاپشن داشتم که گاهی کوه که میرفتیم استفاده میکردم، اینها خارجی بود و سوغاتی برای من آورده بودند؛ اینها را دادم رد شد و گفتم از این داخلیها تهیه بشود.

حالا این را هم من اینجا بگویم، متأسفانه تولید پوشاک داخلی ما که یک تولید سابقه دار و قدیمی و ریشه داری است در کشور و الحمدالله خیلی خوب است، این عیب بزرگ را دارد که رویش بدروغ مارکهای خارجی را میزنند؛ این کار



غلط است. همین کاپشنی که گفتم برای من خریده بودند، من دیدم که روی آن یک چیزی زده‌اند که این تولید خارجی است که دروغ بود؛ خیاطش را می‌شناختیم، میدانستیم چه کسی درست کرده و کی درست کرده، و گفتیم کردند آن را. بنابراین، یکی از بخشهای پیشرو هم همین بخش تولید پوشاک است.

استفاده از جوانان مبتکر و آماده‌به‌کار برای جهش و حرکت مضاعف بنابراین حرکت تولید در کشور بحمدالله آغاز شده؛ ولیکن میخواهم این را عرض بکنم: ما با حرکت معمولی به جایی نمیرسیم، جهش لازم است، حرکت مضاعف لازم است؛ و زمینهای این حرکت مضاعف خوشبختانه در کشور وجود دارد. عناصر بسیار خوب مبتکر، جوانهای آماده‌ی به کار، جوانهای تشنه‌ی کار در کشور وجود دارند، میتوانیم از وجود اینها استفاده کنیم و تولید را به معنای واقعی کلمه جهش بدهیم، و جهش تولید خواهد توانست اقتصاد کشور را احیا کند.

من مجدداً از دوستانی که امروز زحمت کشیدند و این برنامه را تنظیم کردند و کسانی که صحبت کردند و گزارش دادند، و همچنین از همه‌ی کسانی که در بخش مسائل اقتصادی مشغول فعالیت هستند تشکر میکنم. امیدوارم که ان‌شاءالله به برکت ادعیه‌ی زاکیه‌ی مردم عزیزمان در ماه مبارک رمضان، تحولات اساسی و مهمی در بخشهای مورد نیاز کشور از جمله بخش اقتصادی انجام بگیرد. و با این وضعی که در قضیه‌ی این ویروس کرونا پیش آمد و مردم یک تکانی خوردند، یک وضع جدید و فوق‌العاده‌ای به وجود آمد - این تعطیلی‌ها، این نیازها، این تأمین نیازها، این همکاری‌ها که به معنای واقعی کلمه این همکاری‌ها خیلی با ارزش بود - امیدواریم ان‌شاءالله این خودش یک مقدمه‌ای و سرآغازی باشد برای کارهای نو و جدید و تحولاتی در زمینه‌های مختلف از جمله در زمینه‌ی اقتصادی؛ و خداوند کمک کند، برکت بدهد، دعاها را مستجاب کند. ما هم دعاگوی همه‌ی مسئولین و متصدیان و فعالان بخشهای مختلف کشور، چه بخشهای اقتصادی، چه بخشهای فرهنگی و بخشهای گوناگون دیگر هستیم. امیدواریم ان‌شاءالله خداوند به همه‌ی آنها توفیق بدهد و همه‌ی آنها را مشمول لطف و رحمت و برکات خودش قرار بدهد. من مجدداً از همه‌ی شماها تشکر میکنم و سلام و درود خودم را به روح مطهر امام بزرگوار و شهدای عزیز اهدا و تقدیم میکنم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) در ابتدای این برنامه، ارتباط تصویری با هفت مجموعه‌ی تولیدی فعال برقرار شد که مدیران و کارگران مربوطه، مطالبی را بیان کردند.

۲) سوره‌ی نجم، بخشی از آیه‌ی ۳۹؛ «... برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.»

۳) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۷۶

۴) از جمله سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۹

۵) از جمله سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۶۲

۶) امالی صدوق، ص ۳۸۵

۷) از جمله، بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان کشور (۱۳۸۹/۶/۱۶)